

پیشگفتار

و سپاسهای بی دریغم از او که همواره امید مرا در پی سالها تلاش، برای گردآوری نوشته‌ها، نوآوری و نگارش ایده‌هایم در این کار، روشن و زنده نگه داشته است!

از آنجا که زندگی هیچ‌گاه یکسان نبوده و نیست، و آنچه در زیبایی و پیشرفت زندگی می‌تواند دگرگونی‌های بیشتری پدید آورد، نوآوری و ایده‌های تازه در پایه‌های زندگی است، از این رو می‌بایست در پی بهتر شدن زندگی همواره بیشترین تلاشها را انجام داد.

خوشبختانه در چند سال اخیر در زمینه «نوآوری پوشاک» (طراحی لباس)، روش بهبود آموزش رشته «مد و پوشاک» در میزگردهای استادان و بزرگان این رشته بیشتر از همیشه جایی برای خود باز یافته است؛ ولی چون در کتابخانه‌های انگشت‌شماری، تنها چند کتاب درباره پوشیدنیها (آن هم افسوس بیشتر نه به زبان فارسی که به زبان بیگانه) موجود است و به‌ویژه در زمینه پیراهن مردانه تاکنون هیچ کتابی به چاپ نرسیده، انگیزه برای گردآوری و به چاپ رساندن این کتاب قوت گرفت.

برای هرچه گویاتر بودن نماها (شکلها)، تا آنجا که شده در ترسیم و به‌کارگیری خطوط رنگی گوناگون^۱، دقت زیادی به کار رفته تا با بهتر

۱. در سراسر کتاب و در همه شکلها همواره خط سیاه بیانگر لبه‌های پارچه، خط سرخ بیانگر دوخت اصلی و رنگ سبز بیانگر دوخت غیراصلی است، و از خط آبی نیز برای نشان دادن دکمه‌ها و یا اشیاء دیگر استفاده شده است.

دیده شدن ریزه کاریها در دوخت یک پیراهن، استفاده از این کتاب برای همگان آسان گردد.

با این امید که این کتاب با همه تازگی اش (و شاید کاستیهایش) بتواند هم راهنمای خوبی برای تدریس استادان و هم روشنگر و راهگشای نوآوری و ایده‌های بیشتر برای دانشجویانی باشد که دوستدار ادامه این رشته هنری‌اند، و از سویی برای طراحان و دوزندگان پیراهن مردانه مفید واقع شود.

پویا میرچی

مقدمه

تاریخچه پیراهن

در ریشه‌یابی چگونگی پیدایش و ساختار تن‌پوشها، که پس از گذشت سالیان سال به فرم و مدل‌های پیراهن امروزی رسیده، روی هم رفته می‌توان نخستین انگیزه‌های ساختاری تن‌پوش را از روی کنده‌کاریها و نقش‌سنگهایی که بیشتر آنها در شهر شوش به دست آمده است، در تمدن‌یابی مادها (ی ایران‌نشین) جستجو کرد که از همان آغاز سده‌های هفتم و ششم پیش از میلاد، یکی از پوشش‌های اصلی آنها به‌شمار می‌رفته است.

در این هنگام، برش تن‌پوش مادها کمی گشاد بوده و بلندی آن تا بالای زانو می‌رسیده و آن را به همراه کمربندهایی، بیشتر از جنس چرم، به تن می‌کردند؛ همچنین برش آستینها کمی تنگ و به اندازه دوردستها بوده است. سپس به هنگام پادشاهی ساسانیها (از سال ۶۵۱ تا سال ۲۲۴ پیش از میلاد)، دورتادور لبه‌های پایین (دامن شکل) این گونه تن‌پوشها را برای بهتر ایستادن بر تن و همچنین برای زینت دادن به آن با نوارهای فلزی نازکی می‌دوختند. تنها از اواخر سده سوم میلادی بود که وجود تن‌پوشهای مردانه (که بیشتر بلند و از پارچه کتان بود) در اروپای مرکزی به ثبت رسیده است.

از اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم میلادی، زنان نیز چنین تن‌پوشهایی را که کمی کوتاه‌تر و تنگ‌تر بوده در زیر بالاپوشهای خود (که این بالاپوشها نیز الگویی شبیه تن‌پوشها داشتند) به تن می‌کردند.

به گمانی از سده دهم پس از میلاد مدل این پوشاکها از پشت و جلو بسته بوده و می‌بایست از سر به تن می‌کردند.

از سده دوازدهم پس از میلاد، زن‌ها بیش از یک (بیشتر دو) تن پوش به روی هم می‌پوشیده‌اند که در علم لغت‌شناسی بین این دو چندان تفاوت نامی (همچون امروز که با نامهای زیرپوش و پیراهن از هم جدا می‌شوند و خود هر کدام دسته‌ای از پوشاکها را تشکیل می‌دهند) نبود.

پس از نیمه سده چهاردهم میلادی، بلندی پیراهن مردانه کمتر شده و تا کمی پایین‌تر از باسن می‌رسیده و یخه نیز بازتر بوده تا جایی که پایین گلو دیده می‌شده است.

در سده پانزدهم میلادی، بلندی پیراهن باز کمی کمتر شده و در آن هنگام پیراهن را با جوراب شلواریهای یکسره می‌پوشیدند. کمی پس از سال ۱۴۸۰ میلادی آستین پیراهنها برای هر دو جنس (مردان و زنان) بسیار گشاد بوده و با بندی که به خود آستین دوخته می‌شده به آن فرم و مدل می‌دادند.

در همین سالها گاهی زیرپیراهنهایی از پارچه‌های ابریشمی و تن پوشی از پارچه کتان را هم می‌پوشیدند.

در بین سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۵۲۰ میلادی نه تنها گشادی آستین پیراهن که گشادی برش یخه‌ها نیز بیشتر آشکار بوده؛ فرم یخه‌ها در این سالها قابل بسته شدن در جهت افقی بود که این امر به پیراهن زینت بیشتری می‌بخشید.

پس از سال ۱۵۲۰ میلادی دوباره مدل یخه‌ها کیپ‌تر گردید و با بندی نازک یا دکمه‌ای بسته می‌شد و افزوده شدن چندین چین (پلیسه) در جلوی سینه فرم زیباتری به پیراهن می‌داد.

تا سال ۱۵۳۰ میلادی فرم یخه پیراهن شکل ایستاده‌ای به خود گرفت؛ تا آنجا که این گونه فرم ایستاده از یخه‌ها، در همان هنگام در بالا پوشهای ژاکت‌مانند نیز به کار می‌رفت.

از سال ۱۵۴۰ میلادی (به‌ویژه در ایتالیا) تکه کوچکی از گوشه‌های

یخه برمی گشته که سرچشمه مدل یخه برگردانهای امروزی است. بین سالهای ۱۵۷۵ تا ۱۶۳۰ میلادی، نوک یخه‌های ایستاده تا می شده و به گونه‌ای جدا روی یخه برمی گشته؛ با این تغییر فرم در مدل یخه‌ها، نمادهای نخستین پیراهن به گونه‌ای آشکار از بین رفت. پس از سال ۱۶۴۰ میلادی، پیراهنهای مردانه که بیشتر در زیر ژاکتهای کوتاه و تنگ (فرم فرانسوی) پوشیده می شد در دو سمت چپ و راست درز داشته؛ همچنین پشت پیراهن کمی بلندتر از جلوی آن بوده تا روی باسن را بپوشاند. آستینها از سر آرنجها چندان بسته و پوشیده نبوده (گشاد بوده) که به همین دلیل یا با دکمه‌ای بسته می شده و یا با بندی به دور مچ دست پیچیده می شده است. در یخه‌های آن نیز از یک نوار فلزی که به اندازه پهنای نوار پارچه‌ای (تا نیم سانتی متر) بوده استفاده می کردند که کار جادکمه‌ای را انجام می داده و در دکمه‌ای بسته می شده است. در بین سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۴ میلادی (و به هنگام شورش در فرانسه) این بندهای یخه پهن تر و بلندتر شد. از سال ۱۸۸۰ میلادی، تغییرات چشمگیری در یخه‌ها پدید آمد و پس از آن بیشتر پیراهن‌ها دارای یخه‌های گوشه‌دار یا یخه‌برگردان بوده‌اند. تا سال ۱۸۹۰ میلادی، فرم یخه‌ها باز باریک تر شده و پس از این سالها دوباره یخه‌ها را پهن تر و بزرگ تر می گرفتند. در همین سالها بود که پیراهنهای رنگی با یخه‌های سفید، روند پیشرفت «مد در پیراهن» را شتاب بیشتری بخشید. چگونگی و مدل‌های گوناگون یخه‌ها در آغاز سده بیستم میلادی چنان چشمگیر بود که به نمای پیراهن‌ها (با الگوهای ساده‌ای که داشتند) زینت بیشتری می دادند.

در بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰ میلادی پوشیدن پیراهنهایی با یخه‌های ایستاده در زیر کت و شلوار در مردان بیشتر دیده می‌شد. تا سال ۱۹۲۲ میلادی بیشتر نوک یخه‌ها گوشه‌دار بوده و کمتر با برش گرد به چشم می‌خورده است.

تا پیش از سال ۱۹۳۰ پیراهنهای ابریشمی در گسترش مد در پیراهن جلوه بیشتری داشته است؛ تا جایی که برش یخه‌ها تنها از پارچه‌های ابریشمی تک‌رنگ و ساده بوده که به پیراهن دوخته می‌شده است.

تا سال ۱۹۵۰ برای بهتر ایستادن نوک یخه‌ها از فنرهای فلزی پهن و باریک (و سپس از پلاستیک) استفاده می‌کردند.

در آغاز سال ۱۹۵۱ برای نخستین بار در امریکا پیراهن‌ها را از پارچه‌های نایلون‌دار (پلی‌اکریل یا پلی‌آمید) می‌دوختند.

جای یادآوری دارد که در سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ میلادی رنگ پیراهن‌ها بیشتر تیره بوده و یخه‌ها و سرآستین‌ها نیز (با کمک دکمه‌هایی) قابل تعویض بوده‌اند.

در بین سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ برش پیراهنهای مردانه در کمر خیلی تنگ بوده، آن هم با یخه‌های ساده و بزرگ‌تر؛ و برای دوخت پیراهن بیشتر از پارچه‌های نخی یا کتان استفاده می‌کردند.

پس از سال ۱۹۷۵ پیراهن مردانه الگوی بهتری پیدا کرد و تنها در دور کمر تنگ‌تر شد؛ همچنین پیراهنهایی که از پارچه‌های راه‌راه و با یخه‌های سفید تک‌رنگ دوخته می‌شد وارد بازار مد پیراهن گردید.

پس از آن تا به امروز با شکل‌گیری سیستمهای الگوسازی دقیق و وجود طراحان (گاه خوش‌سلیقه) در سراسر جهان، الگوی پیراهن مردانه تا اندازه‌ای (به فرم راسته و آزاد) ثابت مانده و بیشتر در رنگ و طرح پارچه و همچنین فرم برش یخه و سرآستین و جیبها تغییر داده می‌شود (در این کتاب بیشترین مدلها گردآوری و چندین ایده و طرح تازه ارائه شده است).